

میراث تصوف

ویراستی

دکتر لئونارد دیلونین

ترجمی دکتر محمدالدین کیوانی



فهرست

- پیش‌گفتار مترجم ۱
نویسندگان مقالات این مجلد ۴

بخش اول

تصوف در اسلام: شرق و غرب

- پیش‌گفتار ۱۰
ویژگیهای تصوف ایرانی در نخستین سده‌های هجری
جواد نوربخش
فصل ۱ ۳۲
ظهور و تحول تصوف ایرانی
سیدحسین نصر
فصل ۲ ۵۰
مرور اجمالی: اسلام ایرانی و تصوف ایرانی وار
لئونارد لویزن
فصل ۳ ۱۰۰
رویاروییهای غرب با ادبیات صوفیانه ایرانی
فرهنگ جهانپور

بخش دوم

نگاهی تاریخی به تصوف آغازین ایرانی

- فصل ۴ ۱۴۸
حکیم ترمذی و جنبش ملامتی در تصوف سده‌های آغازین
سارا سویری
فصل ۵ ۱۷۹
شرایط تاریخی تصوف ایرانی در عهد سلجوقی
حمید دباشی
فصل ۶ ۲۱۵
ابوسعید بن ابی‌الخیر و مکتب خراسان
تری گراهام
فصل ۷ ۲۶۵
تصوف سده‌های ششم و هفتم در آناتولی شرقی
احمد قره مصطفی

بخش سوم

جوان‌مردی، اندیشه عرفانی و عشق الهی

۲۹۰	جوان‌مردی و آیین آن محمدجعفر محبوب	فصل ۸
۳۱۵	مراحل عشق در ادوار آغازین تصوف ایران، از رابعه تا روزبهان کارل ارنست	فصل ۹
۳۳۸	تصور زمان در تصوف ایرانی گردهارد بورینگ	فصل ۱۰
۳۷۸	در جست‌وجوی فنا: تمثّل و موت معنوی در تمهیدات عین‌القضاة همدانی لئونارد لویزن	فصل ۱۱
۴۲۷	بنیان نوافلاطونی فلسفه اشراق سهروردی، فلسفه در مقام تصوف ایان ریچارد نتن	فصل ۱۲

بخش چهارم

تاریخ و اولیاء‌نامه‌های طریقت‌های صوفیانه

۴۵۲	سطوت و کرامت، تأملاتی در داستانهای کرامات خواجه عبیدالله احرار جو- آن گراس	فصل ۱۳
۴۷۱	شاه نعمت‌اله ولی، بنیان‌گذار طریقت نعمت‌اللهی تری گراهام	فصل ۱۴
۴۹۶	سیدعلی همدانی و سنت‌های اولیاء‌نامه‌نویسی دوین دوویس	فصل ۱۵
۵۵۱	نظری به تاریخ دینی در تصوف اواخر عصر مغول، مورد شاه ولی‌الله دهلوی مارشا ک. هرمانسن	فصل ۱۶
۵۸۶	روابط صوفیان و اسماعیلیان در ایران پس از سقوط الموت و آغاز سلطنت صفوی فرهاد دفتری	فصل ۱۷
۶۰۴	نقش صوفیان در تغییر جامعه دکن، ۱۷۵۰-۱۵۰۰ محمد ضیاء‌الدین شکیب	فصل ۱۸
۶۲۳	طیفه‌هایی از اندیشه اسلامی، نظرات سعیدالدین فرغانی در باب وحدت و کثرت ویلیام چیتیک	فصل ۱۹
۶۴۵	فتوحات مکیّه و شارحان آن: پاره‌ای از معماهای حل نشده میشل خوتکیویچ	فصل ۲۰
۶۶۴	تصوف و مکتب اصفهان لئونارد لویزن	فصل ۲۱
۷۵۱	نمایه	

فهرست

- ۱ نویسندگان مقالات
- ۳ پیش‌گفتار مترجم

بخش پنجم

انضباطها، تمرینها و آداب در تصوف

- ۸ فصل ۲۲ تمرینهای معنوی در تصوف آغازین ایرانی
محمدعیسی ولی
- ۵۷ فصل ۲۳ اهمیت مرشد در طریقت نقشبندی
یوهان گ. ی. ترهار
- ۷۲ فصل ۲۴ موسیقی صوفیانه چیست؟
ژان دورینگ
- ۸۹ فصل ۲۵ برداشتهای مלאگونه از روشهای صوفیانه در ایرانِ اواخر سدهٔ یازدهم:
آندرو ج. نیومن
- ۱۲۸ فصل ۲۶ کتاب راهنمای تصوف کبروی: فصوص الآداب یحیی باخززی.
محمدعیسی ولی

بخش ششم

تصوف و تحول شعر و نثر فارسی

- فصل ۲۷ سهم ایرانیان در ادب صوفیانه عرب از نثر و نظم ۱۵۸
احمد مهدوی دامغانی
- فصل ۲۸ قلندریه در شعر عارفانه فارسی از سنائی به بعد ۱۷۶
یوهان ت. پ. دوبروین
- فصل ۲۹ قصه آدم در روح‌الارواح احمد سمعانی ۱۹۲
ویلیام چیتیک

بخش هفتم

نمادسازی و صور خیال در شعر و نثر صوفیانه فارسی

- فصل ۳۰ تصوف و سعدی، و آراء سعدی در باب تصوف ۲۱۶
محمدعلی همایون کاتوزیان
- فصل ۳۱ نمادهای پرنده و پرواز در مصنفات روزبهان بقلی ۲۳۱
کارل ارنست
- فصل ۳۲ شعر پارسی و تصوف قادری در هند اواخر مغول ۲۵۳
کریستفر شکل
- فصل ۳۳ استعاره فنا در شعر صائب تبریزی ۲۹۲
هائده قمی

بخش هشتم

مکتب مولانا

- فصل ۳۴ یوسف در شعر مولانا جلال‌الدین ۳۲۰
آنماری شیمل
- فصل ۳۵ سلیقه‌های گوناگون در حیات معنوی: تأثیر متنوع کردن سبک متون
در نشر طریقت مولوی ۳۴۱
ویکتوریا هلمبروک

- فصل ۳۶ وجد و نظم: دو اصل ساختاری در غزلیات جلال‌الدین رومی ۳۷۵
یوهان کریستف بورگل
- فصل ۳۷ مفهوم علم در مثنوی مولانا جلال‌الدین ۳۹۴
محمد استعلامی
- فصل ۳۸ زن صوفیانی در آثار ابن عربی و رومی ۴۰۳
ا. ج. دبلیو اوستین
- فصل ۳۹ رومی و حکمت: قرائتی از شرح سبزواری بر مثنوی ۴۲۴
جان کوپر

بخش نهم

تصوف و تنوع دینی

- فصل ۴۰ عبدالرحمن چشتی و بُهکُوْدُ گیتا: نظریه «وحدت مذاهب» در عمل ۴۵۰
رادریک واسی
- فصل ۴۱ وحدت متعالی یکتاپرستی و بت‌پرستی در تصوف شبستری ۴۶۷
لئونارد لویزن
- کتابشناسی ۵۰۵
- نمایه ۵۵۹

فلسفه ممکن است هر فسادی را مرتکب شوند و هر کار غلطی را انجام دهند و وقتی از آنها علت را جویا شوید می‌گویند «چون وجود یکی است، هر کاری و هر چیزی مجاز است». بنابراین، پیروی عقلانی از این فلسفه مورد تردید است، زیرا ممکن است به انحطاط اخلاقی بینجامد و فرد را از مقام والای انسانیت تنزل دهد.

این خطر را جلال‌الدین رومی (د. ۱۲۷۳/۶۷۲) طی حکایت دزدی که وارد باغی می‌شود و مقداری زردآلو می‌دزدد، نشان داده است. از قضای اتفاق خداوند باغ در همان لحظه فرا می‌رسد و دزد را می‌گیرد و می‌پرسد: «از خدا نمی‌ترسی؟» او جواب می‌دهد: «چرا بترسم؟ این درخت متعلق به خداوند است، زردآلوها به خداوند تعلق دارد و من بنده خداوندم. بنده خداوند متاع خداوند را می‌خورد». در حال، مالک باغ به غلامان خود دستور می‌دهد طنابی بیاورند و مرد را با آن به درخت ببندند. مالک، در همان لحظه که شروع می‌کند به زدن دزد، می‌گوید: «این است پاسخ من». دزد فریاد برمی‌آورد که، «آیا از خداوند نمی‌ترسی؟» مالک با لبخندی جواب می‌دهد، «چرا باید بترسم؟ این چوب خداوند است، طناب به خداوند تعلق دارد و تو بنده خدایی. پس من بنده خدا را با چوب خدا می‌زنم».

برعکس رویکرد نظری به وحدت وجود، رویکرد شهودی بر پایه عشق استوار است و کسانی آن را به کار می‌گیرند که از اغراض شخصی خالی هستند. این مکتب عاشقانه انسانهای وارسته از من و ما، خادم اجتماع و شفیق خلق و بالاخره نمونه‌های والای انسانهایی ممتاز چون ابوسعید ابی‌الخیر (د. ۱۰۴۹/۴۴۰)، ابوالحسن خرقانی (د. ۱۰۳۴/۴۲۶)، بایزید بسطامی (د. ۸۷۵/۲۶۱)، [حسین] منصور حلاج (د. ۹۹۲/۳۰۹) و روزبهان بقلی (د. ۲۱۰/۶۰۶) پرورش می‌دهد.

درحالی‌که وحدت وجود نظری بحثی علمی است، وحدت وجود شهودی سیر و سلوک روحانی است که صوفی در آن همه چیز را یکی می‌بیند زیرا چشمان او فقط به یک سو متوجه است. فلسفه وحدت وجود نظری بحثی آموختنی و دانستنی است؛ آن دیگری راهی است رفتنی و دیدنی. اولی کلاس گفت و شنود است و دومی مکتب کشف و شهود. فلسفه وحدت وجود نظری به دانش نظری تو می‌افزاید، اما مکتب وحدت وجود شهودی تو را از تو می‌گیرد و در خداوند زندگی می‌بخشد. بنابراین، اگر حلاج «اناالحق» می‌گفت نائی بود که نائیش حق بود. وقتی بایزید می‌گفت «سبحانی ما اعظم شأنی»، این حق بود که از زبان بایزید سخن می‌گفت.

پیش‌گفتار

ویژگیهای اصلی تصوف ایرانی در نخستین سده‌های هجری

دکتر جواد نوربخش

بررسی کامل خصوصیات تصوف در این دوره کاری وقت‌گیر و بیرون از حوصله یک پیش‌گفتار است. در اینجا قصد دارم فقط اجمالاً به شرح پیدایش و تکامل بعضی مفاهیم شاخص نخستین دوره‌های تاریخ تصوف بپردازم، و به نکته‌های مهم آن در این دوره اشاره کنم، نکته‌هایی که متأسفانه در عصر حاضر اکثراً مورد غفلت قرار گرفته‌اند. مکتب تصوف در اسلام از همان آغاز بر چند موضوع اساسی تأکید داشته است. این چند موضوع کلیدی برای فهم تعالیم باطنی تصوف که طی سده‌های بعدی تدریجاً روشن و روشن‌تر شدند، به دست می‌دهد، و می‌توان آنها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. رویکرد عملی و شهودی به وحدت وجود

مشایخ سده‌های آغازین هجری به وحدت وجود شهودی توجه داشتند نه وحدت وجود نظری (۱).

وحدت وجود شهودی بینش دل و خاص صاحب‌دلانی است که با پای عشق الهی از دنیای من و ما فاصله می‌گیرند و با دیده خدا خدای را می‌نگرند.

از سوی دیگر، وحدت وجود نظری دست‌پخت عقل و مربوط به دنیای من و ماست. فلسفه وحدت وجود نظری هیچ پیام معنوی برای انسانها ندارد، جز آنکه اعتقاد بدان شخص را از لحاظ اجتماعی و اخلاقی به بیراهه می‌کشاند، چه عده‌ای از پیروان این

۲. عشق الهی

اصل مذهب تصوف این است که صوفیه معتقدند حقیقت را با عقل و برهان نمی‌توان شناخت. خدای را باید به واسطه عشق شناخت و با عنایت و توجه حق به قرب او راه یافت. از دیدگاه صوفیان، تا تو تویی، خدای را نمی‌توانی شناخت: حجاب اکبر میان تو و حقیقت تویی تست. فقط آتش عشق الهی می‌تواند این انانیت را بسوزاند. به علاوه، چنین عشقی هم آمدنی است نه آموختنی.

عشق الهی به دو طریق ممکن است در صوفی پدید آید: (۱) جذب، و (۲) سیر و سلوک. از راه جذب، عشق حق به‌طور مستقیم و بی‌واسطه به سراغ صوفی می‌آید و فرد مجذوب حق می‌شود و هر چیز را جز او فراموش می‌کند. و اما از راه سیر و سلوک، صوفی به پیر طریقت عشق می‌بازد و پیر این عشق را به عشق الهی تبدیل می‌کند؛ به بیانی دیگر صوفی با چراغ طلب حقیقت به سوی استاد می‌رود و استاد آن چراغ را با نفس قدسی خود برمی‌افروزد تا صوفی در عشق الهی بسوزد. حافظ (د. ۱۳۸۹/۷۹۱) در بیت زیر اشاره بدین معنی دارد:

در خرمن صد زاهد عاقل زند آتش این داغ که ما بر دل دیوانه نهادیم

وقتی بایزید را پرسیدند درویشی چیست، گفت: «آنکه کسی را در گنج دل خویش پای به گنجی فرو شود و در آن گنج گوهری یابد، آن را محبت گویند؛ هر که آن گوهر یافت او درویش است». باز در همین مورد خواجه عبدالله انصاری (د. ۱۰۸۹/۴۸۱) گفته است: «همه خلق می‌گویند 'یکی' و از صد هزار درمی‌آویزند^۱ و الی [این قوم می‌گویند 'یکی' و از نشان خود می‌گیرند^۲]» (۲). یا به تعبیر ابوالحسن نوری (د. ۹۰۷/۲۹۵):

عاقل تر خلق صوفیانند که همه خلق فرا عطای او [= خدا] رفتند و این قوم فرا او رفتند^۳ و صحبت او جستند. و همه به عطا و داده او راضی گشتند و این قوم به بدل وی^۴ به هیچ چیز راضی نشدند و آن نه به خود جستند و کردند که چیزی دیدند و چشم فرا او شد، دیگر همه ازیشان بیفتاد و آب همه در آن شد^۵.

۱. به صد هزار تن تعلق خاطر و وابستگی عاطفی پیدا می‌کنند.

۲. از خود خویشتن و از هویت خویش می‌گیرند.

۳. صوفیان - به خلاف همه خلق که به عطای خداوند چشم دوختند - به سوی خود خداوند رفتند و به او امید بستند.

۴. بدل وی: به جای وی، به عوض وی.

۵. احتمالاً، آبرو و اعتبار و منزلت خود را بر سر او گذاشتند و محو او شدند.

همه خلق فراصفت رفتند و به صفات از موصوف راضی گشتند و اینان فرا ذات رفتند و جز وی ندیدند و همه عالم بر اینان منکر و هر که دانای منکرتر، که آنکه خود نداند عاجز است نه منکر، که دانا منکر بود^۱ (۳).

بنابراین، از نظر مشایخ صوفی نتیجه عشق الهی یک سو نگرستن و جز به خداوند اعتنائی نداشتن است. حکایت زیر مثالی عالی از این نوع نگرش است:

سلطان محمود غزنوی برای زیارت شیخ ابوالحسن خرقانی به خرقان آمد. رسول فرستاد که شیخ را بگویند که: 'سلطان برای تو از غزنین بدین جا آمد، تو نیز برای او از خانقاه به خیمه او درآی؛ و رسول را گفت اگر نیاید این آیت برخوانید: قوله تعالی، 'و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم' (۴). رسول پیغام بگزارد. شیخ گفت 'مرا معذور دارید؛ این آیت بر او خواندند، شیخ گفت، 'محمود را بگویند: چنان در اطیعوا الله مستغرقم که در اطیعوا الرسول خجالتها دارم تا به اولی الامر چه رسد' (۵).

گزارش رابعه (د. ح ۱۸۰-۱۸۵/۷۸۸-۷۹۲) از اینکه چگونه پیامبر را به خواب دیده، حاوی پیام مشابهی است:

رابعه را گفتند: حضرت عزت را دوست داری؟ گفت، 'دارم'. گفتند شیطان را دشمن داری؟ گفت، 'از دوستی رحمان با عداوت شیطان نمی‌پردازم. لکن رسول را - علیه الصلوة والسلام - به خواب دیدم'، گفت، 'یا رابعه! مرا دوست داری؟'، گفتم، 'یا رسول الله! که باشد که تو را دوست ندارد؟ لکن محبت حق چنان مرا فرو گرفته است که دوستی و دشمنی غیر او در دلم نمانده است'.

روایت دیگری از این حکایت را نویسنده عرب، مرتضی زبیدی (د. ۱۲۰۵/۶۰۲) در *إتحاف السادة المتقين [فی شرح احوال علماء علوم الدین]* این‌گونه نقل می‌کند:

قيل لِرابعه كيف حُبك لِلرسول صَلَّى اللهُ عليه و سلم؟ فقالت: و اللهُ إني لا حُبُّه حُبًّا شديدًا و لكن حُبَّ الخالقِ شَغَلَنِي عَن حُبِّ المخلوقين (۶)

۳. دعوت به حق پرستی

مشایخ طریقت مریدان را نه به خود که به حق دعوت می‌کردند. کوشش آنها به این بود که مردم را از خودپرستی و فردپرستی برهانند و فقط به سوی حق پرستی راهنمایی کنند، نه

۱. دانایانند که منکرند والا نادانان که چیزی نمی‌فهمند نمی‌توانند منکر چیزی هم بشوند.